



## این نکات را رعایت کنید تا کارتان به طلاق نکشد

همه ما می دانیم تا چند سال پیش طلاق امری قبیح بود، اما اکنون کمتر خانواده ای را می بینیم که در نزدیکیان خود حداقل یک فرد طلاق گرفته نداشته باشد...

همه ما می دانیم تا چند سال پیش طلاق امری قبیح بود، اما اکنون کمتر خانواده ای را می بینیم که در نزدیکیان خود حداقل یک فرد طلاق گرفته نداشته باشد، در واقع امروزه دیگر طلاق زشت و ناپسند نیست، شاید طرز تفکر مردم تغییر کرده است و دیگر دلیلی نمی بینند با هر سختی و دشواری به زندگی مشترک ادامه دهند و خود را به پای فرزندان پیر کنند. شاید هم افراد نسبت به گذشته کم طاقت تر شده اند و دیگر نمی توانند یا نمی خواهند سال های عمرشان با تحمل سختی های زندگی مشترک بگذرد.

به گزارش سلامت نیوز به نقل از روزنامه نسل فردا، تلاش برای یافتن پاسخ این سوالات و بسیاری پرسش های دیگر، ما را به دفتر کار پروفسور حسین باهر، جامعه شناس، استاد دانشگاه و بنیان گذار مکتب رفتارشناسی کشاند تا با ایشان در این خصوص به گفت و گو بنشینیم.

از ابتدای ازدواج باید به چه نکاتی توجه کنیم تا بتوانیم از طلاق پیشگیری کنیم؟  
اول باید هنگام انتخاب، فردی را انتخاب کنید که هم کفو شما باشد تا پس از سپری شدن ایام پرهیجان ابتدای زندگی، ناچار به تحمل همسران نشده و در ضمن گرفتار طلاق عاطفی نشوید.  
لازم است همسران را از فردی که در طبقه اجتماعی، مالی و فرهنگی خودتان است، انتخاب کنید. نه بالاتر و نه پایین تر، نکته بعدی این است که سعی کنید عشق به همسران را حفظ کنید.  
از اختلافات و ناراحتی های کوچک چشم پوشی کنید، هرگز به یکدیگر توهین نکنید، هرگز با صدای بلند با هم صحبت نکنید، به هم وفادار بمانید تا عشق و حرمتی که باید میانتان حاکم باشد، حفظ شود.  
به این ترتیب کارتان به جایی نمی رسد که ناچار شوید یکدیگر را تحمل کنید و گرفتار طلاق عاطفی شوید، زن باید به وظایف زنانه و مرد نیز به وظایف مردانه خود عمل کند، زن باید زنانگی داشته باشد و مرد هم مردانگی تا جذابیت خود را برای یکدیگر از دست ندهند.

چه میزان از این مشکلات را می توانیم اصلاح کنیم؟  
اگر افراد به مشاور مراجعه کنند، در بسیاری از موارد می توانند مشکلات را حل کنند و زندگیشان را از فروپاشی نجات دهند. اگر همسران از بزرگان فامیل و افراد معتمد کمک بگیرند نیز در موارد بسیاری می توانند زندگی مشترکشان را حفظ کنند.  
بسیاری از مشکلات زوجین، به دلیل مسایل مالی است که می توانند از بزرگان فامیل یا اعضای خانواده شان برای رفع این نوع مشکلات کمک بگیرند. در گذشته مانند اکنون نبود که مشکلات به این سادگی موجب نابودی زندگی مشترک شود، چون افراد مشکلاتشان را نزد ریش سفید می بردند و او کمک می کرد زندگی زن و شوهر حفظ شود، اما امروزه این لایه، یعنی لایه اقوام و ریش سفیدان، از بین رفته است و کسی از بزرگان فامیل کمک نمی گیرد و زن و شوهرها بدون مشورت با خانواده و بزرگان فامیل سعی دارند مشکلاتشان را خودشان حل کنند و اگر راهی به ذهنشان نرسید تصمیم به جدایی می گیرند.  
به این ترتیب همچنان به رفتارهای نادرستشان ادامه می دهند و مسلماً نمی توانند تغییری در زندگی خود ایجاد کنند، چون اگر راه درست را می دانستند، کارشان به فکر کردن در مورد جدایی و طلاق نمی کشید.

طلاق در چه سنین رایج تر است؟

طلاق در اوایل و اواخر زندگی مشترک بیشتر است، اوایل زندگی زن و شوهر به دلیل شناخت کم از یکدیگر در بسیاری از موارد یکدیگر را نمی فهمند و گاهی اختلافات به جایی می رسد که ادامه زندگی برایشان غیرقابل تحمل می شود.  
اواخر زندگی هم دو طرف فرزندان را به ثمر رسانده اند، به خصوص زوج هایی که بلافاصله بعد از ازدواج بچه دار شدند و فرصت کافی برای شناخت یکدیگر نداشتند و با آمدن بچه ها چنان سرگرم مشغله های فرزندان بودند که از خود و همسرشان غافل ماندند. حالا بعد از رفتن بچه ها مجدداً خودشان دو نفر با هم می مانند و چون در طی این سال ها مشکلات زندگی را به

خاطر فرزندان‌شان تحمل کرده اند، اکنون و بعد از رفتن آنها دلیلی برای تحمل و ادامه زندگی مشترک نمی بینند. برخی دیگر هم تنها در ابتدای زندگی دلخواه هم بودند، مثلاً خانمی به خاطر اینکه مرد، قهرمان ملی بوده، شیفته مقام و شهرت او شده و با او ازدواج کرده است، ولی حالا که این مرد بازنشسته شده است و دیگر قهرمان و مشهور نیست، خانم هم دیگر انگیزه ای برای ادامه زندگی با او ندارد.

#### مهم‌ترین دلایل طلاق کدام است؟

عده ای ازدواج می کنند؛ چون می خواهند از طریق ازدواج مشکلاتشان را برطرف کرده یا به نوعی از مشکلات خانه پدری خود فرار کنند، این افراد بی‌توجه و بی فکر ازدواج می کنند و تلاشی برای شناخت طرف مقابلشان نمی کنند، بنابراین اندکی پس از ازدواج متوجه انتخاب ناآگاهانه خود می شوند و نمی توانند با او ادامه دهند. برخی هم به دلیل ادا نکردن مسئولیت های ازدواج و وظایف همسری به طلاق می رسند. در برخی دیگر از زندگی ها دخالت خانواده ها، به خصوص پدر و مادر زوجین، کار را به جدایی می کشاند. برخی دیگر از طلاق ها به دلیل بی وفایی یکی از طرفین صورت می گیرد. اعتیاد، به خصوص اعتیاد مرد، یکی دیگر از دلایل رایج طلاق است که زن ناچار می شود کار کند و خرج مواد همسرش را بدهد و چیزی که او را بیشتر نگران می کند این است که مبدا اعتیاد پدر به فرزندان نیز منتقل شود و فرزندان از پدرشان بیاموزند. فساد اخلاقی یک یا هر دو طرف در ازدواج، یک گره را از هم باز می کند. دلیل دیگر، از بین رفتن شور و حال همسر است، وقتی فردی عاشق شور و نشاط و انرژی همسرش باشد و ببیند در سن بالا همسرش دیگر انرژی سابق را ندارد، از زندگی دلسرد می شود و حتی کار به طلاق می کشد.

#### در چه شرایطی طلاق را پیشنهاد می دهید؟

زمانی زوجین نباید زندگی مشترکشان را ادامه بدهند که عوامل مفسده در زندگی بیش از حد باشد و ادامه این زندگی برای آنها خطر و ضرری به دنبال داشته باشد. اما رسیدن به این نتیجه چیزی نیست که دو طرف به سادگی بتوانند به آن برسند، اینکه آیا ادامه این زندگی برای یک یا هر دو نفر خطرناک است یا نه، نیاز به مشاوره و دریافت راهنمایی از متخصصان و حتی بزرگان فامیل و والدین زوجین دارد. گاهی یکی از زوجین منبع درآمد درستی ندارد، مثلاً دزد است یا به هیچ وجه حاضر به ترک این کار نیست. در چنین مواردی مشخص است که زندگی، آینده روشنی ندارد و گاهی ادامه زندگی برای فرزندان خطرناک است؛ اما اینکه یکی از همسران خیلی زود از کوره در می رود و عصبانی می شود یا اینکه بیماری خاصی دارد، از جمله مسائلی هستند که تنها با مشاوره های تخصصی می توان در مورد آن به نتیجه قطعی رسید، به طور کلی زمانی به زوجین پیشنهاد طلاق داده می شود که ضرر با هم نبودنشان، کمتر از با هم بودنشان باشد.

در هر صورت هنگام تصمیم طلاق همواره باید این نکته را در نظر داشت که ازدواج یک حق خصوصی و طلاق یک حق عمومی است. شما می توانید مادامی که به گناه نیفتید، ازدواج نکنید و در حقیقت تصمیم آن با خود شماست؛ اما اگر ازدواج کردید، تصمیمتان برای طلاق دیگر فقط به خود شما بستگی ندارد؛ چون خانواده یک نهاد اجتماعی کوچک است و به هم ریختن آن نیاز به نظر تخصصی و کارشناسی دارد و به همین دلیل یک حق عمومی است.